امام خمینی و توسعه فرهنگی

دکتر محمد حسن شیبانی فر*

امروز جایگاه و اهمیت توسعه به گونه ای است که یکی از شاخصهای تفکیک و تشخیص کشورهای پیشرفته از عقب مانده به شمار می آید. یکی از ابعاد توسعه در کشورها توسعه فرهنگی است، و با توجه به تأثیرگذاری فرهنگ هر جامعه در اقتصاد و سیاست آن، نقش توسعه فرهنگی و اهمیت آن در هر جامعه به خوبی به دست می آید. ذکر این نکته لازم است که منظور از فرهنگ مجموعه اعتقادات، باورها و سنت ها در یک جامعه است؛ و منظور از توسعه گسترش و افزایش نیست، بلکه گاه اصلاح و یا تغییر برای رشد و تعالی جامعه منطبق با اهداف و سیاستهای توسعه در همین راستا انجام می پذیرد. به دلیل آن که موضوع سخن، تبیین دیدگاه امام خمینی(ره) در توسعه فرهنگی است ابتدا تعریف امام از فرهنگ و جایگاه آن در جامعه لازم به نظر می رسد. از دیدگاه امام، فرهنگ هویت و موجودیت یک جامعه را شکل می دهد و در تحولات اجتماعی نقش اساسی و زیربنایی دارد و اصلاح آن نخستین گام، در اصلاحات ابعاد دیگر جامعه باید دیده شود: « فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد؛ و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. » «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های ملت است. » «راه اصلاح یک مملکتی (اصلاح) فرهنگ آن مملکت است، اصلاح باید از فرهنگ شروع شود. »

هدف توسعه فرهنگی

بر اساس دیدگاه امام هدف از توسعه فرهنگی: زدودن وابستگی، دستیابی به استقلال، خوشبختی، شرافت و انسانیت و اصلاح جامعه و ساختارهای آن در دیگر ابعاد است. و به دلیل ارتباط توسعه اقتصادی و سیاسی با توسعه فرهنگی و وابسته بودن هر یک به دیگری، امام برای توسعه فرهنگی نسبت به آن دو اولویت قائل است، و هر توسعه واقعی را متأثر از توسعه فرهنگی می بیند. امام ریشه سلطه غرب را در سلطه فرهنگی او دیده است «این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، مهمش این سلطه فرهنگی بوده است. » امام در پیامی که به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه ها در سال ۱۳۵۸ صادر شد، چنین می گویند: «بزرگترین وابستگی ملّتهای مستضعف به ابر قدرت ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که وابستگی های دیگر هم از آن سرچشمه می گیرد. تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. . . . برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی خود، مفاخر و مأثرملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می کنند همه چیز از غرب[است] و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم. » بر اساس نظریه های توسعه، هدف از توسعه و سیاستهای تدوین شده در توسعه متفاوت است. امام هدف توسعه را در تولید امکانات فرهنگی، توسعه علم، رفاه و بهبود کیفیت زندگی محدود نمی کند، بلکه این همه را زمینه و ابزار هدف واقعی توسعه یعنی الهی شدن انسان، شکوفایی ابعاد معنوی و روحانی در انسان و تهذیب نفس او می داند.

امام هدف توسعه را در تولید امکانات فرهنگی، توسعه علم، رفاه و بهبود کیفیت زندگی محدود نمی کند، بلکه این همه را زمینه و ابزار هدف واقعی توسعه یعنی الهی شدن انسان، شکوفایی ابعاد معنوی و روحانی در انسان و تهذیب نفس او می داند

و فراگیر باشد. امام خمینی(ره) با پیروزی انقلاب اسلامی، دستور تأسیس نهادی با عنوان «نهضت سوادآموزی» را داد. و تعلیم و تعلّم در آن را عبادت دانسته و همه افراد محروم از نعمت سواد را به یادگیری و علم آموزی فرا می خواند. امام در این زمینه چنین می گوید: «ما مبارزه با بی سوادی را به نحو احسن اجرا خواهیم کرد. » مایه بس خجالت است در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می کند که طلب علم را فریضه دانسته، از نوشتن و خواندن محروم باشد. » «تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند. » این اهتمام به دلیل آن است که سوادآموزی آغاز کار و مقدمه دانش آموزی است. علم و دانش و لزوم فراگیری آن در اسلام به دوره خاصی از عمر، یا اشخاص خاص و یا به زمان و مکان خاصی محدود نیست و فراغت از تحصیل را واژه ای بی معنی می داند. «هر انسانی تا آخر عمرش هم علم احتیاج دارد و هم به آموزش و پرورش. . . »

رشد تحقیقات و گسترش امر پژوهش باچنین رویکردی از ارزشگذاری میسر خواهد بود و نتیجه ای که مطلوب اسلام است، یعنی غلبه قلم ها بر مسلسل ها در این هنگام قابل دستیابی است. «بشرتا در سایه مسلسل وتوپ وتانک می خواهد ادامه حیات بدهد، نمی تواند به مقاصد انسانی برسد. آن وقتی مردم به مقاصد اسلامی وانسانی می رسند و به کمال دانش و علم می رسند که قلم ها بر مسلسل ها غلبه کند و دانش ها در بین بشر به آنجا برسد که مسلسل ها را کنار بگذارد و در میدان، میدان قلم باشد، میدان علم باشد. » و در پیامی مهم ترین عامل در خود کفایی را توسعه مراکز علمی و پژوهشی می دانند «مهم ترین عامل در کسب خود کفایی وبازسازی، توسعه مراکز علمی وتحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متخصص و متعهدی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند، واز لاک نگرش انحصاری علم به غرب وشرق به درآمده و نشان داده اند که می توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. »

۲ـ خود باوری

بی تردید یکی از بزرگ ترین انگیزه های امام(ره) در قیام برضد نظام شاهنشاهی وابستگی رژیم به قدرت های بیگانه بوده است. خودباختگی، سلطه پذیری، از خود بیگانگی و غیرزندگی عناصری است که روح غیور او را رنج داده است. البته تعامل فرهنگها و دادوستد در آن امری طبیعی است. داشتن علم دیگران، فرهنگ دیگران و صنعت دیگران تا آنجا که به سلطه گری نینجامد مسأله ای نیست، بلکه اسلام مسلمانان را به فراگیری آن واداشته است. مرعوب بیگانه شدن، به تمسخر گرفتن ذخایر و اندوخته های خودی و از بیگانه نسخه گرفتن که چه بکنیم؟ چه باشیم؟ که باشیم و چگونه زندگی کنیم؟ مورد نکوهش است. همان برهنگی که اقبال از آن می گوید و با نقل داستانی به زیبایی نیاز مسلمانان را در بازگشت به هویت اسلامی خویش بیان کرده است:

ما از آن خاتون طی عریان تریم
پیش اقوام جهان بی چادریم

در یکی از جنگ ها دختر حاتم طایی اسیر شد، وقتی این دختر را پیش پیامبر(ص) آوردند نیمه برهنه بود. پیامبر(ص) عبای خود را روی آن دختر انداختند تا پوشیده بماند. اقبال می گوید ما در این روزگار، از دختر حاتم طایی هم لخت تر مانده ایم و آن همه عزت و شرف خود را از کف داده ایم و پیش همه اقوام دنیا، بی چادر شده ایم. پیامبری می خواهیم که دوباره با عبای خودش ما را بپوشاند.

نظام سلطه برای تحمیل و ترویج فرهنگ و ارزشهای نظام خود ناچار است ملتها را برضد فرهنگ، سنتها، علایق روحی و فکریشان بشورانند، و به گفته شادروان جلال آل احمد: «هجوم استعمار نه تنها به قصد غارت مواد خام معدنی و مواد پخته آدمی ـ فرار مغزها ـ از مستعمرات صورت می گیرد، بلکه این هجوم، زبان، آداب، موسیقی، اخلاق و مذهب محیط های مستعمراتی را نیز ویران می کند. » امام با شناختی که از عملکرد استعمار در سالهای پیش از انقلاب داشته است، خطر آن را اینگونه گوشزد می کند: «به قدری ما را از پیشرفهای خود و قدرت های شیطانی شان ترسانده اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی، موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید کنیم. بلکه از ادب و فرهنگ و صنعت و ابتکار، اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مأیوس نموده و می نمایند و رسوم و آداب اجنبی، هر چه مبتذل و مفتضح باشد، با عمل و گفتار و نوشتار ترویج و با مداحی و ثنا جویی، آنها را به خورد ملت ها داده و می دهند. فی المثل، اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری، چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن، با اعجاب پذیرفته وگوینده و نویسنده آن را، دانشمند و روشنفکر به حساب می آورند. و از گهواره تا قبر، به هر چه بنگریم، اگر با واژه غربی و شرقی اسم گذاری شود، مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب، واگر واژه های بومی خودی به کار رود، مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود. »

رشد و توسعه از دیدگاه امام(ره) مفهومی وسیع و فراگیر دارد به گونه ای که همه ابعاد وجودی انسان را شامل شده و او را از تک بعدی و تک ساحتی بودن در گرایش های مادی رها ساخته و معنویت، اخلاق، تهذیب نفس و قرب الی الله را در مسیر اهداف وزندگی او قرار می دهد

استاد شهید مطهری ضمن آن که استعمار فرهنگی را مقدمه استعمار اقتصادی و سیاسی می داند، چنین می گوید: «برای بهره کشی از فرد باید شخصیت فکری او را سلب کنند و او را به آنچه مال خودش است بد بین کنند و در عوض او را شیفته هر آنچه از ناحیه استعمار عرضه می شود. بسازند. باید در مردم حالتی به نام تجدد زدگی به وجود بیاورند به طوری که از آداب و رسوم خودشان متنفر بشوند، اما از آداب و رسوم بیگانه خوششان بیاید. می باید آنها را به ادبیات خودشان، به فلسفه خودشان، به کتاب های خودشان، به دانشمندان و مفاخر علمی و فرهنگی خودشان بد بین کنند و در عوض مسحور ادبیات، فلسفه و کتاب های دیگران کنند. »

خودباوری در نگاه امام(ره) جایگاه ویژه ای دارد و پیشبرد همه امور را در گرو آن می داند. اگر این معمای روحی وفکری حل شود نخستین و اساسی ترین قدم برای رسیدن به خودکفائی و استقلال برداشته شده است. «اعتماد به نفس بعد از اعتماد به خداوند منشأ خیرات است. » «بدانید که نژاد آریاوعرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در دراز مدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. »

تلاش بزرگ امام تزریق روحیه خودباوری و خود اتکایی به کالبد جامعه بود: «باید به خود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی ها زندگی کنند، می توانند، و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی توانند خلاف عقیده آنان را تحمیل کنند. » در سخنان امام، از دلبستگی به فرهنگ بومی و هویت اسلامی و ملی و کوشش برای حفظ و اعتلای آن، اعتماد به نفس و قطع امید از بیگانگان به همراه عزم واراده، تلاش و هشیاری و شناخت استعدادها و امکانات و ذخایر درونی شرط خود باوری و موفقیت در توسعه فرهنگی و راه رسیدن به آن یاد شده است.

بر اساس دیدگاه امام هدف از توسعه فرهنگی: زدودن وابستگی، دستیابی به استقلال، خوشبختی، شرافت و انسانیت و اصلاح جامعه و ساختارهای آن در دیگر ابعاد است

۳ـ حوزه و دانشگاه، نقش و جایگاه

امام(ره) نقش حوزه و دانشگاه را در تحول های فرهنگی و توسعه آن بسیار مهم ارزیابی می کند. ریشه صلاح و فساد مردم و جامعه را در آنجا می بیند. از این رو اجرا و تحقق اصلاح وتوسعه واقعی را ابتدا در همین مراکز لازم می داند. حوزه و دانشگاه را مکرر به تهذیب و تعهد فرامی خواند و از تحجر و غربزدگی باز می دارد. در همان زمان روحانیت و حوزه ها را برابر انحراف ها و استعمار سد بزرگی دانسته است. «تردیدی نیست که حوزه های علمیه و علمای متعهد، در طول تاریخ اسلام و تشیع، مهمترین پایگاه محکم اسلام برابر حمله ها و انحراف ها و کج رویها بوده اند. » اما از مقدس مآبی، تحجرگرایان و روحانی نمایان بارها نالیده است و حوزه ها را به هشیاری و پیشتازی دعوت کرده: «حوزه ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند، و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند. » همچنین دانشگاه ها را مراکز اداره امور کشور، تربیت نسلها و تعیین کننده مقدرات کشور می بیند. «دانشگاه مبدأ همه تحولات است. » استقلال دانشگاه ها، به روز شدن حوزه ها، پیوند این ۲ در کنار تعهد وتهذیب موجب سعادت یک ملت و کشور و اصلاح توسعه آن است. «توجه داشته باشید که اگر دانشگاه و فیضیه اصلاح بشود، کشور شما استقلال خودش را بیمه می کند. »

۴ـ آزادی

آزادی سیاسی و اجتماعی ضمن آن که برآمده از توسعه فرهنگی است، خود نیز مقدمه و گسترش دهنده آن است. آزادیهای فردی، اجتماعی و سیاسی و از جمله آزادی قلم و آزادی بیان تا جایی که به ضرر مردم نباشد و در چارچوب اسلام و قوانین کشوری باشد، هیچ کس نمی تواند آن را محدود کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در هنگام تصویب، نسبت به آزادی مطبوعات با ابهام مواجه بود. هنگامی که کمیسیون، اصل مربوطه را تصویب کرد، متن آن چنین بود: «بیان و نشر افکار و عقاید و مطالب از طریق مطبوعات، سینما، تئاتر، نوار و رسانه های گروهی برای خدمت به فرهنگ جامعه و تنویر افکار و انتقادهای سازنده آزاد است و آن چه مخالف عفت عمومی، توهین به شعائر دینی، فاش کردن اسرار نظامی یا مخل به استقلال و تمامیت ارضی و امنیت عمومی کشور یا موجب گمراهی مردم باشد، ممنوع است. مجازات تخلف از این اصل را قانون تعیین می کند. »

امام(ره) نسبت به مشارکتهای اجتماعی و سیاسی مردم و آزادیهایی که موجب شکوفایی استعدادها و برای توسعه سیاسی، فرهنگی اقتصادی جامعه باشد، همچنین بر انتقادهای سازنده از دولت تأکید داشتند: «مسأله دیگر راجع به انتقاد. البته روزنامه ها باید مسایلی را که پیش می آید نظر کنند. یک وقت انتقاد سالم است، این مفید است؛ یک وقت انتقام است نه انتقاد، این نباید باشد؛ این با موازین جور در نمی آید. انسان چون با یکی خوب نیست او را در مطبوعات بکوبد، کار درستی نیست. اما اگر کسی خلاف کرده است باید او را نصیحت کرد. پرده دری نباشد ولی انتقاد خوب است. »

نسبت به آزادی زنان ونقش آنان درفعالیتهای اجتماعی در نگاه دینی همه آزادیهایی که مطرح است، محدود و مقید به قشر خاصی نیست. اما سابقه تاریخی نشانگر محرومیت زنان از حقوق اجتماعی برابر با مردان بویژه در جوامع سنتی آن هم به اسم دین است.

امام(ره) درباره موضع اسلام نسبت به آزادیهای زنان، نه تنها زنان را در اسلام آزاد، می داند، بلکه اسلام را پایه گذار آزادی زنان می بیند. «اسلام با آزادی زنان نه تنها موافق است، بلکه خود پایه گذار آزادی زن در همه ابعاد وجودی زن است. » «اسلام به زنها بیشتر عنایت کرده است تا مردها. اسلام زنها را، بیشتر حقوقشان را ملاحظه کرده است تا مردها. زنها حق رأی دارند، از غرب بالاتر است این مسائلی که ما برای زنها قائل هستیم، حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند، همه اینها هست؛ معاملاتشان به اختیار خودشان هست و آزاد هستند، اختیار شغل آزاد را دارند. »

۵ ـ صدا و سیما و رسانه ها

قانون اساسی یکی از مهمترین رسالتهای صدا و سیما را توسعه فرهنگ و حفاظت و پاسداری از آن در سراسر کشور می داند. رسانه ها بویژه صدا و سیما همانگونه که در انتقال فرهنگ نقش اساسی دارند در توسعه فرهنگی نیز یک عامل مهم به شمار می آیند. امام نقش صدا و سیما را در جامعه به یک دانشگاه عمومی تعبیر می کند. این به این معناست که باید مسائل علمی و داده های آن پس از تصفیه از قالبهای تخصصی به قالبهای عمومی تبدیل شود و به صورت همه فهم درآید. این نه به معنای کشانده شدن آموزشهای دانشگاهی به صدا و سیما و نه به معنای تنزل دادن علم است، بلکه به معنای قابل فهم شدن مسائل علمی و فرهنگی است؛ تا با ارتقا و رشد سطح آگاهی و بینش مردم، توسعه در آن جامعه رشد بیشتری یابد. امام با بینشی عمیق و مردم گرایانه از این که رسانه ها در خدمت دولت باشد یا از منافع طبقه خاصی حمایت کند، پرهیز می دهد. «روزنامه ها مال طبقه سوم است، مال طبقه اول نیست، و این هم نیست که همه اش مال حکومت باشد». و نقش رسانه ها و نشر را هم چون جهاد و با اهمیتی هم چون خون شهیدان می داند: «آن که از همه خدمتها بالاتر است، این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد، و این به عهده مطبوعات است. اهمیت انتشارات مثل اهمیت خونهایی است که در جبهه ها ریخته می شود. »

جمعبندی

رشد و توسعه از دیدگاه امام(ره) مفهومی وسیع و فراگیر دارد به گونه ای که همه ابعاد وجودی انسان را شامل شده و او را از تک بعدی و تک ساحتی بودن در گرایش های مادی رها ساخته و معنویت، اخلاق، تهذیب نفس و قرب الی اللّه را در مسیر اهداف و زندگی او قرار می دهد.

فرهنگ، هم زیر بنای توسعه وهم عامل آن و هم هدف و نتیجه توسعه تلقی شده است. فرهنگ هر ملتی نشانه هویت و استقلال اوست. کسب و حفظ استقلال فرهنگی و فکری نشانه حیات و قدرت یک جامعه است. ویرانی و انهدام یک فرهنگ، ویرانی یک ملت است. تمدن سیمای تجسم یافته فرهنگ و از مظاهر بر جای ماندنی و باقی آن است. همه مردم، حکومت و بخصوص بخشهای مربوطه همانند حوزه و دانشگاه و . . . در حفظ، ارتقا و توسعه فرهنگ ملی و اسلامی مسئول هستند.

* مدیر پژوهش و تحقیقات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)